

انقلاب زن زندگی آزادی و افکار عمومی جهانی

بوته‌ای برای آزمایش؟

حمید رحمانپور

جوابیه ای به فراخوانی بجا برای افشاگری وحشی‌گری های جمهوری اسلامی ایران در سطح افکار عمومی جهانی.

این نوشته و جوابیه را با کمی تاخیر و بدلیل خبر پخش حکم اعدام برای فرزند مبارز و دوستداشتنی ایرانیان، تجسم شجاعت و از خودگذشتگی، توماج صالحی اندکی به تاخیر افتاد. مبارزی که لقب پسر ایران را گرفته است و مردم ایران هیچ وقت پسر دلیند و مبارز خود را تنها نخواهند گذاشت و از او و همه جوانان دلیر و زنان شجاع و آزاد پوش خود حمایت خواهند کرد.

ابتدا:

اگر هدف و مخاطبان افشاگری جنایت های جمهوری اسلامی ایران رو به کسانی مثل نتانیاهاو، بایدن، شولتس و غیره است. باید متذکر شوم که کسی توهمی نداشته باشد. این اشخاص به ایرانی همانند افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، پاکستان و غیره نگاه میکنند و در بسته‌های خود به ایران و ایرانیان متأسفانه دموکراسی‌هایی مثل سوئد و آلمان و انگلیس و یا حتی یک دموکراسی نیم بند را ندارند که تقدیم کنند بلکه هدیه‌های آنان از طالبان و داعش و خمینی و شاه و مجاهدین و اصلاح طلبان مطیع و گوش به فرمان و مهره‌هایی مطلوب در رقابت های جهانی دو قطب سرمایه‌داری جهانی و از این قبیل چیزی بیشتر نخواهند بود.

بازیگران اصلی جهان سرمایه‌داری از یک طرف آمریکا و غرب و از سوی دیگر چین و روسیه در رقابتی افزاینده و مخرب درگیرند که جهان بشری را با عظیم‌ترین و نابودکننده‌ترین فاجعه روبرو خواهد کرد. آنها روی ایران به مثابه مهره ای در تقابل مابین خود می‌نگرند. برای بلوک غرب و چین و روسیه مصلحت خود مردم ایران که دوری گرفتن از این رقابت‌ها است پیشیزی هم ارزش ندارد. فقط امیدوارم که مردم مبارز و هوشیار ایران با درک درست از منافع خود و دوری جستن از آلت دست قرار گرفتن و مخصوصاً افشای ضد انقلابیون نفوذی ایرانی که تا دیروز مثل جن از بسم‌الله می‌ترسیدند ولی اکنون که بوی قدرت به مشامشان رسیده انقلابی شده‌اند، اجازه ندهند که این ابر قدرت‌ها ما را به سرنوشت مردم زجر دیده‌اگر این دچار کنند.

آنها از همه چیز اطلاع دارند و انتظارشان از متوهمان به خود، خادمان و غلامانی خوش خدمت و مهماتی ارزان قیمت برای توپخانه ویرانگرشان می‌باشند. ایران یک نقطه استراتژیک در این صفحه عظیم جهانی است. و اگر به خواست آنان (و نه خود ایرانیان) باشد وظیفه ما فقط مهره بودن و جانفشانی برای منافع آنان است. وظیفه همه انقلابیون این است که با هوشیاری از آلت دست شدن جلوگیری کنند. پشتیبانی معنوی و صادقانه را می‌پذیریم و با آگاهی و هوشیاری آلت دست شدن را رد می‌کنیم. یک باخت دیگر و بعد از صد سال دیکتاتوری برای ما همسان با نابودی همیشگی است.

حقوق بشر و دموکراسی برای آنها فقط پوششی زیبا و دلفریب برای فروش محتوایی زشت و خونبار نمی‌باشد. نباید تعریف و تمجیدهای آبکی و مداوم آنها از اپوزیسیون ایرانی (و بند و بست مداوم و همیشگی با ج.ا.) ما را فریب داده و از خود بی خود کند. فراموش نکنیم که ابر قدرت‌ها دوست و رفیق ندارند بلکه فقط منافع دارند.

نمونه زیاد است. اگر کسی منکر میشود لطفاً خودش یک نمونه موفق را بیان کند.

انقلابیون ایران با ساز دیگران نمیرقصند. ما با سازهایی که از کردستان سرفراز، بلوچستان قهرمان، اعراب خوزستان، دلیران گیلان و مازندران، ترکهای آذری، فارس‌ها، تهران و دماوند سربلند و همه ملت‌های آزاده دنیا نشأت گرفته باشد به وجد و به رقص آزادی در می‌آییم. ما با ساز رقص آن دختران جوان و مبارز مان سرمست میشویم که به تاریخ ایران برگه‌ای سرفرازانه افزوده‌اند. مشارکت سازه‌های دیگر جهانی در ارکستر ما و در رقص آزادی ما جایز و در جهت آرزوی ما است ولی رهبری ارکستر، ریتم و جهت فقط و فقط بر عهده خود ما خواهد بود.

بنابراین اگر همچنان قبله‌گاه و مخاطبان افشاگری جنایات ج.ا. بایدن، ترامپ، نتانیاهاو، شولتس و شرکا هستند، برای این خانمها و آقایان محترم و با وجود خواهش برای خواندن این نوشته، ولی فکر میکنم نوشته بنده چندان برایشان مطبوع نباشد.

ولی اگر هدف جلب توجه افکار عمومی و مترقی دنیا به وحشی‌گری های ج.ا. و طلب پشتیبانی از آنها است، پس خواهش میکنم زحمت کشیده و به خواندن ادامه دهید.

در جواب درخواست افشاگری جنایات اسلامگرایان حکومتی در ایران با کمال میل و با اراده انقلابی و هر روزه و تا پیروزی نهایی بر علیه این وحشی ها افشاگری و مبارزه خواهیم کرد.

ولی ای کاش که جانان وحشی فقط مختص به اسلامیت ها می‌بود. به آسانی ما مردم آزاده جهان ترتیبشان را می‌دادیم و از شر وجودشان خلاص می‌شدیم.

ولی متأسفانه دنیا پر از وحشی های یکی از آن دیگری بدتر است.

ما افشاگری میکنیم که تمام انسانهای آزاده دنیا از جنایت و وحشی‌گری های حکومت اسلامی ایران آگاه شوند و از ما در مبارزه مان پشتیبانی کنند. ما خود را بر حق میدانیم. ما از مردم با وجدان دنیا انتظار داریم که به وحشی ها و آدمکش‌ها و زن ستیزها نه بگویند. ولی متأسفانه بسیاری از ما فقط خود را می‌بینند یا چشمانشان آنقدر سرگرم دیدن و آزمودن وحشی‌گری اسلامگرایان حاکم بر ایران شده است که دیگر این عزیزان وحشی‌گری های و جنایات دیگر را در دنیا نمی‌بینند و یا عمداً می‌خواهند نبینند!! ولی این انتظار پشتیبانی اگر همه هر دو چشممان را کاملاً باز نکنیم و همه وحشی‌گری ها بر علیه مردمان دیگر و یا مردمان مسلمان دیگر در جاهای دیگر (از بخت بد روزگار خانم آنگ سان سوچی، سوگلی غرب و اپوزیسیون حکومت نظامی میانمار همان خانمی که جایزه صلح نوبل را تقدیمش کردند و اهل میانمار که به محض رسیدن به قدرت، از اولین اقداماتش شرکت در قتل و عام مسلمانان آن کشور بود) را به همراه نداشته باشد آیا انتظاری یکجانبه و خودپسندانه و پر از ریسک نیست؟

دیگر حنای توسل جستن به تروریست بودن و جنایتکار بودن حماس (لااقل بعد از چندین روز اول و آغاز کشتار بی‌رحمانه مردم غزه) رنگی ندارد. چون قدرت‌های غربی هیولاهایی مثل طالبان، داعش، القاعده و یا حتی جمهوری اسلامی را می‌سازند و یا زمینه برای پیدایش و ظهور و یا غیر مستقیم کمک به رشدشان میکنند تا بعداً تحت لوای سرکوب آنان اهداف پلید خود را به پیش ببرند. اسرائیل هم در رشد و قدرتمند شدن حماس همین ایده را داشت تا یکبار دیگر و این بار برای همیشه و با توسل به قدرت نظامی خود از شر فلسطینی ها و رویای یک کشور فلسطینی رها شود. ولی نتانیا هو، کارکشتگی، حرفه‌ای بودن و تجربه استادان خودش را نداشت و تو چاله و رسوایی عظیمی افتاده که احتمال نتیجه برعکس گرفتن بعید نخواهد بود. و استادان و حامیانش را هم دچار دردسر و رویارویی هر روزه با افکار عمومی کشور هایشان قرار داده است.

اگر ما به درستی تقاضای جلب افکار عمومی جهانی را داریم ، با چه رویی باید از دانشجویان دانشگاه کلمبیا در آمریکا و همچنین دیگر دانشجویان آزاده و با وجدان و انساندوست در دیگر دانشگاه‌های آمریکا انتظار پشتیبانی داشته باشیم؟ در حالی که خودمان حاضر نباشیم که از مردم فلسطینی در غزه و خطر نابودی کامل و پاک کردنشان از صفحه روزگار، پشتیبانی و فریاد اعتراض بر نیاوریم؟

ما با چه رویی و با چه انتظار بیهوده‌ای باید از آن سی صد هزار تظاهر کننده در خیابان های لندن و آن میلیونها تظاهر کننده دیگر که در تمام دنیا بر علیه دولت فاشیست و وحشی اسرائیل و بر ضد آپارتاید و نسل کشی فلسطینی ها در غزه فریاد و خشمشان را نشان میدهند انتظار پشتیبانی داشته باشیم؟ کسانی که حال به هر مصلحتی در بهترین حالت سکوت میکنند چطور از مردم شریف و زجر دیده جهان عرب انتظار دارند که از مردم شریف ایران دفاع کنند؟

آیا یک انسان باسرف و صلح دوست حاضر هست صدای رسایش را در پشتیبانی و ستایش از ما بلند کند در صورتی که خود ما حاضر نیستیم صدای مان را بر علیه نسل‌کشی عیان و آشکار و قابل رویت هر روزه در مدیا های جهانی، بلند نکنیم؟ و یا لاقیدانه کشتار سی و پنج هزار کودک و زن و کوچک و بزرگ را نادیده بگیریم و شاید با این دلیل که درد و رنج خودمان مجال پرداختن به درد و رنج دیگران را به ما نمی‌دهد؟

آیا این افکار عمومی و مترقی جهانی این را نمی‌بینند که طیفی از ایرانیان که مایه ننگ و و سرشکستگی هر ملت و هر انسان و انسانیتی هستند با صدای بلند اعراب را وحشی و مردم غزه را شایسته نیست و نابودی و به درک واصل شدن میدانند؟ و افراد دیگری هستند که لاقیدانه و بی مسئولانه از کنارش می‌گذرند.

این فاشیست ها و آدمکشان و ضعیف کشان را باید طرد کرد انقلاب ژینا از وجود آنها فقط ضرر مند می‌شود. و به وجهه مردم ایران و حقانیت انقلاب ژینا در سراسر جهان و مخصوصاً کشورهای منطقه به شدت لطمه و آسیب می‌رساند.

امکان دارد که شاید هم افرادی باشند که اندکی خرده شیشه دارند و انفعال و کوتاهی خود را می‌خواهند با تهمت زدن و یا نسبت دادن های بی روا به دیگران وجدان خود را راحت کنند. و یا با نسبت دادن نوشته هایی این چنینی به سوسیالیستها و یا کمونیستها و یا جهان وطنی ها نسبت دهند و بگویند: خوب ما که نه کمونیست نه سوسیالیست و نه جهان وطن و ... هستیم پس دفاع از

مردمی مثل فلسطینی های باریکه غزه با مرام ما جور در نمی آید! ولی متأسفانه این افراد که گاهی از مبارزان پرشور بر علیه جنایات ج. ا. هم هستند، احتمال دارد و مخصوصاً اگر در خارج از ایران باشند، بارها شعار زیر را هم فریاد زده باشند:

زنده باد همبستگی جهانی

Hoch Lebe die Internationale Solidarität

Long live international solidarity

چون آدم منصف و واقع بینی هستم باید اذعان کنم که اکثریت بالای آن سیصد هزار نفر که در لندن و آن میلیون ها نفر دیگر در جهان و شرکت کننده در میتینگ های همبستگی با مردم غزه نه طرفدار حماس، نه ضد بهود،

نه جهان وطن، نه کمونیست و نه سوسیالیست هستند (برای چنین کسانی پشتیبانی کردن و فریاد بر آوردن در مقابل چنین جنایاتی از بدیهیات است). بلکه فقط باشرف، انسان دوست، با وجدان، با انصاف و مدافع حقوق بشر برای همه مردم این کره خاکی هستند. از این مردمان شریف باید آموخت.

خانم نرگس محمدی که شخصاً خیلی برایشان احترام قائل و مبارزات سرسختانه او را می ستایم. اکنون باید صدای پر هیبت خود را علیه این نسل کشی بلند و محکوم کند ولی گویا جایزه صلح نوبل صدایش را بسته است. یکی از معیارهای احتمالاً نانوشته اکادمی صلح نوبل این است که شخص برنده جایزه صلح تا میتواند مثبت از کشورهای غربی و تا میتواند منفی از کشورهای مثل چین و روسیه و فعلاً ایران بگوید. و خانم محمدی اکنون سکوت اختیار کرده اند. چون تایید نتانیاهاو ریسیکی بزرگ و محکوم کردن نسل کشی فلسطینی ها از طرف اسرائیل از طرف برنده صلح نوبل جایز نیست. از خانم عبادی هم خبری نیست. البته شیرین عبادی چندان چنگی به دل نزد و دیگر برد این دوران نمی خورد. رضا پهلوی هم موضعی ازش ندیده ام. درست است که مدافع و دوستدار نتانیاهاو است ولی باید آنقدر جرات داشته باشد لااقل مثل هوادارانش اخلاص خود را علناً نسبت به

نتانیاهاو و در این شرایط سخت که به شدت منزوی شده است را بیان کند آخر زمان زیادی که نگذشته است که با عیال به دست بوسی نتانیاهاو رفته بودند. ولی مثل اینکه چون غواص توانایی هستند ترجیح میدهند مثل بعد از ترور قاسم سلیمانی زیر آبی بروند و سکوت اختیار کنند.

البته لیست سکوت کنندگان بسیار است و در اینجا به همین بسنده میکنم.

من باید چند اسمی را بیان میکردم چون اینجا صحبت از حقوق بشر است و کسی که ادعای دفاع از آن را دارد و اگر جایزه ای هم در این زمینه گرفته باشد باید قاعدتاً صدایش از همه بلند تر باشد. دفاع از حقوق بشر فقط منحصر به بشر در ایران نیست و مرز و ملیت و رنگ و نژاد و جنسیت نمی شناسد. یا این حق را برای همه به رسمیت شناخت و یا باید به دروغ گویی، دورویی و از این قبیل القاب متهم شد.

کسانی که ایرانی هستند (بیشتر طرفداران نتانیاهاو و رضا پهلوی) و کاسه داغ تر از آتش شده اند و از فرهنگ و ادبیاتی مبتذلانه، حقیر و لمپانه برخوردارند (برای اطلاع بیشتر مراجعه به X و اینستاگرام) در خواست شخم کامل سرزمین غزه توسط ماشین کشتار اسرائیل هستند، بی شرمانه به خود اجازه میدهند از افکار جهانی تقاضا کنند که از مردم و کشور ایران دفاع کنند. کشوری که همیشه به انقلابیون خود و کسانی مثل ابوعلی سینا، خیام، حافظ، سعدی، فردوسی، و و و افتخار کرده است، باید یکبار دیگر از خودش بپرسد که در این جهان پر از تبعیض و نابرابری و ستم و کشتار کجای گود ایستاده است؟ و آیا تاریخ چطور در مورد قصور آنان در دفاع از حقوق بشر در فلسطین و مشخصاً در باریکه غزه قضاوت خواهد کرد؟

ایرانیان مبارز که به حق بر علیه کثیف ترین و درنده ترین حکومت تاریخ معاصر ایران انتظار پشتیبانی از افکار عمومی جهانی را دارند باید قبل از هر چیز از خود بپرسند که کدام طرف هستند؟ در طرف مردمی زجر کشیده که حتی یک باریکه کوچکی را در این جهان پهناور برایشان روا نمی دارند و یا در طرف ستمگران و نسل کشان جانی به رهبری نتانیاهاو.

جنایت های حماس ها، جمهوری اسلامی ها و غیره فقط یک بهانه برای جنایتی بزرگ در تاریخ بشریت است.

ما همصدا با افکار مترقی و انساندوست در دنیا از همان ابتدا عملیات تروریستی حماس را به شدت محکوم و کشتار بیرحمانه بیشتر از هزار نفر مردم بی دفاع اسرائیل را محکوم کردیم. اسرائیل بزرگترین شانس را داشت که علاوه بر تلافی محدود و سپس توقف آن سمپاتی و پشتیبانی جهانی را بدست بیاورد. ولی این در ماهیت رژیم فاشیست اسرائیل نبود.

موضعگیری مبارزان انقلاب زن زندگی آزادی که یکی از قهرمانانه ترین صفحات تاریخ بشریت را رقم زده‌اند باید همچنان که از رکن محتوای اساسی انقلاب ژینا که همانا رفع تبعیض و نابرابری و ظلم و ستم است، ابراز انزجار علنی و قابل رویت از جنایات رژیم فاشیست اسرائیل و هر بی عدالتی و ظلم و وحشیگری در سراسر دنیا باشد. این نه تنها بر مبارزه مرگ و زندگی مردم مبارز ایران بر علیه جمهوری اسلامی خلی وارد نخواهد کرد بلکه باعث تقویت آن میشود. و این اعتماد بنفس و حقانیت ما را افزایش داده و درخواست پشتیبانی از ما را مبنایی واقعی تر خواهد بخشید.

حمید رحمانپور

آوریل ۲۰۲۴